



سال اول - شماره ۹۰ - شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۵۹ - انتشاره ۵ رسال

آهای کجا هستند آنها بی که می گفتند: پیشوای ما علی است؟ اگر منظور شما از علی، امیرالمومنین علی (ع) است که او وقتی شنید گو شواره را از گوش زن غیرمسلمان در آوردند، فریاد زد: "اگر سرد مسلمان از شنیدن این خبر از تا سف بمیرد، ملا متی بر او نیست!" اولی شما چطور است که چشم دختر مسلمان را از حدقه درمی آورند و دم بر نمی آورید؟! (از سخنان مسعود رجوی در امجدیه)

ای نفس، مبدا که از حقیقت پوشان دره اس افتی! به رحمت خداوند جبار ترا بشارت باد (عباس (ع) در نبرد با دشمن)
چهارم شمان سالروز ولادت جوانمردی است که در دشوارترین لحظات یک قیام، برجم خونین گروه پیشان را بر دوش کشید و در پیگیری شورا نگیز، به صورت آموزگار استین "وفا" و "قدکاری" درآمد بقید صفحه ۳

سرمقاله:

قابل توجه آقای خامنه ای در باره

نماز جمعه و سخنرانی

آقای معاد یخواه

اگر خدا می خواسته خواستید سه گسب جسارت کنید، اهان ت نمازید مرتکب غیبت شوید بدانید که در محضر ربوبی هستید، همان خدای متعال می باشد و در حضور حق تعالی سه بندگان او اسامی ادب می کنید و اهان ت به پندیده ی خدا، اهان ت به خداست امام خمینی ص ۲۳ حکومت اسلامی

اخیرا رهبر انقلاب امام خمینی گله کردند که نتایج مساجد و نمازهای جمعه را کم بها داد و آنها را خالی گذاشت، برایتی هم که کم بها دادن به نماز و سنن انقلابی مکتبی بویژه در شرایطی که مسجد یکی از اساسی ترین پایه های انقلاب و وسیع توده های انقلابی بودناست، جای هر گونه تاراجی و انتقاد را دارد. راستی چرا باید به این مراکز مقدس تسبیح و تسبیح توده های کم بها داده شود، آن هم وقتی که می توان هر مسجد را به سادی برای آگاهی بخشیدن و هانگ کردن واحدهای مختلف انقلابی در کارخانها و مزارع و مدارس و ادارات . . . تبدیل نمود.

ما در این گفتار بر آنیم تا بدون محامله و تعارف و بصراحت کامل یکی از مهمترین دلایل آن افت تگرانی آفرین و قابل انتقاد فوق را ارزیابی کنیم:
اگر بمباد داشتیم قبل از آخرین نماز جمعه، از ساعتها پیش وسایل ارتباط جمعی تبلیغ می نمودند و مومنان را به جمع هر چه بیشتر در نماز وحدت آفرین جمعه دعوت می نمودند. تردیدی نیست که نماز جمعه وحدت آفرین است، التیام - دهنده ی دردهای جامعه، هوارکننده ی راه خدا و خلق است و بیشتر پیروزمندی پیام رهایی و رحمت که به قول پدر طالقانی پیام رسول اکرم است، می باشد. و چنین است که به گفته ی خود سوره ی جمعه در قرآن، دیگر بایستی برای تحقق این پیام رهایی و رحمت و وحدت، لااقل بر سر نماز جمعه دیگر سوداگری را فرو گذاشت و به جای مایع تنگ نظرنانه ی فردی و گروهی لختی هم به وحدت و رحمت و رهایی عمومی جامعه اندیشید.
ایها اندین آمو! اذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسألوا لی ذکرا لله و ذروا للبیح ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون.
ای کسانی که گریه و ایان آورداید، نگاه که برای نماز جمعه ندا داده شود، پس به یاد خدا بشتابید و سوداگری را رها کنید، و اگر بدانید این برای شما نیکوتر است
آری این همان آیات خدایی و قرآنی است که هر جمعه در نماز جمعه تکرار می شود. باشد که مومنان پند گیرند و داستان بقید صفحه ۲

اولین قدم برای ایجاد جو "حسن ققاهم"

در قبال عرق فجاج چاقداری و همی آثار مسوم اجتماعی آن، این روزها توجه بسیاری ناظران و مسئولان نسبت به "جو- ققاهم" گسترده ی سیاسی و اجتماعی کنونی برانگیخته شده است. به همین مناسبت باز هم ما از مسئولان حزب جمهوری اسلامی می خواهیم تا برای ایجاد زمینه های یک ادراک و ققاهم واقعی سیاسی و اجتماعی میان اقشار و نیروهای مختلف در قدم اول با بخش سخنرانی امجدیه موافقت نمایند. به این ترتیب شما صداقت و حسن نیت خود را در انتخاباتی که علیه چاقداری در روزنامه ی هم عمل می آورید، به اثبات رسانیده و در چشمانکی این پدیده ی مذموم لااقل اجازه داده اید که ملت ایران با گوشه ای از فجاجی آن آشنا شود. و بی تردید این اقدام درجهای خواهد بود، به سوی یک ققاهم عمومی علیه چاقداری.

اطلاعیه کانون ابلاغ

اندیشه های شریعتی در مورد حمله به مراسم روز پنجمین در امجدیه و تجاوز مستقیم به حریم خبرنگاران و مطبوعات

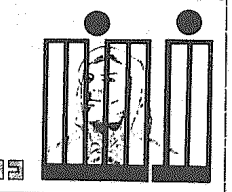
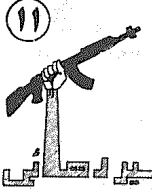
الحمد لله رب المستضعفین
در جریان مراسم سالگرد شهادت برادر مجاهد رضاشانی و همت تن دیگر از شهداء محلات اخیر در امجدیه، هنگامی که خبرنگار عکاس کانون مسئول تهیه فیلم و پرتراز بوده، مورد اصابت سه گلوله قرار می گیرد. آنچه که در اینجا اهمیت دارد اینکه به گفته ی شهود عینی و اطرافیان برادر خبرنگاران، او بطور "عمدی" و با نشانه روی دقیق مورد هدف قرار می گیرد که بلافاصله به بیمارستان منتقل و تاکنون به بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است.
کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی این گونه اعمال را تجاوز مستقیم به حریم پاک مطبوعات و خبرنگاران و عکاسان می داند و به مسئولین امر هشدار می دهد این اعمال قرون وسطایی و ضداسلامی و ضدانسانی "عناصر مایور وابسته و یا ناآگاه سیاسی انقلاب مقدس ما را در براسر چنان به سختی مخدوش نموده است چرا که خبرنگاران حتی در مواقع جنگ که خشونت در اوج

شنیده اید که می گویند چاهکن ته چاه است؟! این داستان روزنامه ی مرتجع دست راستی است که از موضع ضد - انقلابی دوقورت و نیش هم همیشه باقی است و همیشه هم طبلکار!! حضرات که خود سردمداران واقعی چماق و چماقداری در این کشور هستند (ومجاهدین پیوسته برآمده رادیوتلوویزیونی برای افشاء این نامردمان دغل و سانسو قافا گردانند)، و تا مرقق دست در خون این خلق و بویژه شهیدای اخیر مجاهد دارند، ۲۴ خرداد نوشتند که:
"مسئولین محترم رادیوتلوویزیون، ما از شما دعوت می کنیم که به اطلاع عموم رهبران مجاهدین خلق برسانید که هرگاه هر یک از

مناظر که اطلاع دارید انجمن جوانان مسلمان میثاق هفتگی پیش مورد حمله ی مسلحانه ی یکی از کمیته ها قرار گرفت که به زخمی شدن دهها نفر و شهادت برادر مجاهد ناصر محمدی منجر شد.
در جریان دفاع از این انجمن برادر مجاهد مصطفی ذاکری که در حوادث امجدیه به شهادت رسید نیز شرکت داشت و در همین رابطه هم گزارش کوتاهی از کارهای انجمن و نیز وضعیت آن در هنگامی که مورد هجوم واقع شده بود نوشته که در آن اشاراتی هم به مراسم تشییع جنازه ی مجاهد شهید ناصر محمدی نموده - است.

مجاهد شهید مصطفی ذاکری این گزارش را در تاریخ ۲۱/۲/۵۹ یعنی یکصد و شصت و سه است، از نظر سیاسی مضمون می باشد پس ما شاکت تجاوز مستقیم به حریم خبرنگاران و مطبوعات را باید به چه کسی و به کدام مرجعی بکنیم. قوای انتظامی که در هیچ نقطه از جهان به طور فردی عمل نمی نمایند و اصولا مسئول حفظ امنیت و آزادی - های قانونی می باشند، چرا باید در این کشور که هنوز یکپروگی تحریف انقلابی جان گرفته، رفتار این چنین داشته باشند. مای پرسم اینها را کدام قانون تصویب کرده است؟! مسئول امنیت خان افراد بیگناه خبرنگار و نیز شرکت کنندگان در

به عبارت دیگر کشور استعمارزده را از جمع جباب به راننده ی کشور استعمارگر تبدیل می کند. حال بحسب اینکه کشور استعمارگر در چه مرحله ای از رشد باشد، طبیعا تغییرات متناسب با بافت "اقتصادی - اجتماعی خود را در کشور محل سلطه بوجود خواهد آورد. تحت فراموس نگردایم که استعمارگر بیر یعنی انگلیس پیوسته بر بقای فتودالیزم وابسته در ایران ناکید داشت. چرا که مانند آمریکا توان صدور سرمایه نداشت. ولی وقتی توبت به تاخت و تاز آمریکا در ایران رسید، برای گسودن بازار کالا و سرمایه گذاری می بایست سرمایه داری وابسته را در ایران رشد بدهد که همین کار را هم کرد.
کشور استعمارگر، ضمن غارت منابع طبیعی، نهادهای فرهنگی و



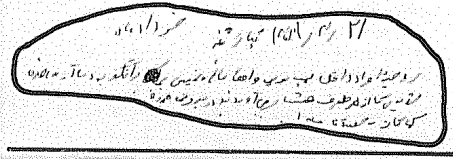
زنان در جوامع وابسته، میرا لیمیم

در بخشهای قبلی موقیبت زن در جوامع گوناگون طبقاتی را مورد بررسی قرار دادیم. و نشان دادیم که در تحلیل نهایی تمام قید و بندها و عوامل بازدارنده ی حرکت تکاملی زنان را باید در عنصر استعمار جستجو کرد. در آخر این قسمت،

وقتی که قافیه بر مرتجعین تنگ می آید ماهیت ضد مردمی خود را آشکار می سازند

رهبران این سازمان بویژه آقای رجوی حوس کردند برای مردم سخنرانی کنند، سخنانشان را روی نوار ضبط کرده و شما آن را برای عموم مردم پخش کنید، تا هم آقایان به هدف خود رسیده و پیام مبارکشان را به سم خلق برسانند. . . . بهانه داشته باشند که بله در جمهوری اسلامی جلوی صدای ما را گرفته اند و هم از این کشت و کشتار و خونریزی بیرحمانه که به نفع امپریالیسم صورت می گیرد، جلوگیری به عمل آمده باشد
لیکن از آنجا که رسوایی ارتجاع و خت طیت آن هرچه زودتر آشکار می گردد، همین که بدنبال این نوشته مجاهدین خلق از بقید صفحه ۲

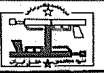
گزارش دست نویس از مجاهد شهید مصطفی ذاکری پیراهون جریان حمله به انجمن میثاق



اطلا عییه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران پاکسازی را از کجا باید آغاز کرد؟

بنام خدا
آقای هاشمی نژاد در مراسم نماز جمعی گذشته (۵۹/۲/۱۶) در تهران ضمن سخنرانی سراسر تفرقه افکننده ی خود در مورد دانشگاهها، در میان بسیاری بوهمینها، نیهتها و بی حرسی های ساحت مقدس و خویش دانشگاه گسند که باید در دانشگاهها گذرانی بدینوی و "چرا بعضی گروهها از انقلاب فرهنگی به رحمت افتاده اند با اسفاده از امکان عمومی ایجاد شده از اجتماع مردی که بسرای شنید راجلها و درمان مشکلات معضلات سناار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه کرد می آید، بهطور یکجانه و بدون حق دفاع و پاسخ - کوئی به افراد، گروهها و نهادهای

سندهای ملی کشور عارت شده را نیز مورد تهاجم قرار داده و به شکل مطلوب خود درمی آورد، به طوری که حداقل مقاومت در مقابل مظالم استعماری وجود داشته باشد. در این بین زنان نیز ضمن اینکه به لحاظ اقتصادی با نند تمام زحماتشان زیر فشار استعمار شدید امپریالیسم و نگردهایم که استعمارگر بیر یعنی انگلیس پیوسته بر بقای فتودالیزم وابسته در ایران ناکید داشت. چرا که مانند آمریکا توان صدور سرمایه نداشت. ولی وقتی توبت به تاخت و تاز آمریکا در ایران رسید، برای گسودن بازار کالا و سرمایه گذاری می بایست سرمایه داری وابسته را در ایران رشد بدهد که همین کار را هم کرد.
کشور استعمارگر، ضمن غارت منابع طبیعی، نهادهای فرهنگی و



کسترنش دهد تا بازارهای شهری ایران، به روی کالاها انگلیس گشوده شود. این سیاست مکتب سایر اقدامات او مانند تغییر شکل لباس سنتی ایران بود. این اقدام نه تنها هیچ صیفی آزادبخشانه نداشت، بلکه دقیقا تلاشی بود تحقیرآمیز برای تبدیل زن ایرانی به وسیله‌ای در دست کارخانه‌داران اروپایی. بدون شک این اقدام را می‌توان با تلاشهای اشتراک‌گرا فرانسوی در الجزایر مقایسه کرد.

زن در مسیر رهایی

داری مشاهده می‌شود، در کشورهای وابسته بسیار کمتر دیده می‌شود. چرا که فقط اعیان از ویژگیهای جوامع سرمایه‌داری در این کشورها نفوذ می‌کند که صرفا در خدمت فروش کالاها و ورود زنان به بازار کار قرار گیرد. و کشور استعمارگر و وابستگان داخلی هیچ تلاشی حتی در جهت شکل‌گیری یک نظام سرمایه‌داری ملی نمی‌کند.

بقیه از صفحه اول

موضع ضعف، خود را به عنوان موجودی با توانی ذاتا کمتر از مرد تصور می‌کنند. عملا در کشورهای تحت سلطه، تحقیر دیگری را هم از جانب فرهنگ مسلط امپریالیسم تحمل می‌کنند. و درست به همین دلیل رهایی آنان در گرو خرید کردن این دو وجه تحقیری برای زنان ما در زمان حاکمیت دیکتاتوری بالتر از اینکه به زور قدری، خواهرانه خائن یعنی عصاره فساد غرب و خودکامی خود را به عنوان سمیل زنان آزاده می‌توان تحویل داد!

بقیه از صفحه اول

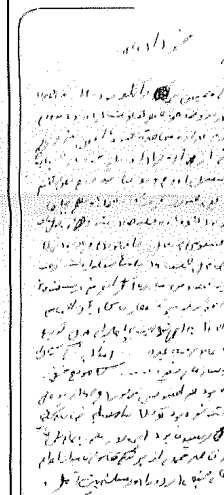
عباس (ع) پرچمدار "ایثار" و...

در تاریخ سپه‌ای یک "سوگند بخورد" می‌زند و با دستی دیگر شک آب را چون جان، بر پیکر خود می‌شرد تا شهیدان و آزادگان، حسین (ع). سپه‌ای واقعی هر انسان را - فارغ از اسم و رسم و تاریخچه زندگی - در لحظات دشوار و تقدیر سازی می‌نویسند. تصویر کرد که در تلاطم کسب‌کنی مرد آکن، پرده‌ی هراک و رنگ را از چهره به کنار می‌زند و مرد را آنگونه که هست جلوه‌گر می‌نماید. عباس (ع) در روز عاشورا و در میدان خونین کربلا رخ نمود و جلوه‌گر شد. همانجا که برچم خونین قیام بر دوش کوبید و برچمدار رسید ز زمینگان شد؛ همانجا که دل‌آوانه حلقه محاصره دشمن را شکست و خود را به فرات رساند تا با آوردن آب، کام سوخته مردان شهید را حلطه‌ای گوارا کند. همانجا که علیرغم عطش جانفرو، از نوشیدن آب خودداری کرد و به خود نسیب زد که: "ای نفس... حسین و یارانش جام مرگ می‌نوشند و تو آب سرد می‌طلبی؟" همانجا که با دستی سمیر

بقیه از صفحه اول

گزارش دست‌نویس از...

درست یک روز قبل از شهادتش با گزارش را که او با خط خود نوشته خط خود برای ما نوشته بود. است همراه با متن تایپ شدگان از اکثران با کرامی داشت مجدد نظران می‌کنیم.



گشیمه دست‌نویس محمّد شهید مصطفی داگری

متن تایپ شده است

۱۳۵۹/۲/۲۱ چهارشنبه خردادماه روحیه افراد دادها یک صب بزمین واقعا "عالی و تحسین برانگیز بود" آن محاصره سدی که از هر طرف فشار می‌آوردند در بیرونی هم وضع تفاوت کرده بود. مردم کمانا به حقیقت ماجرای می - بردند و بر علیه مزدوران محاصره کننده ایمن شروع به بحث می - کردند. اطلاعات بزرگی هم به سبب این از آن برادران در حجابان جسیانیده آمد. ساعت نه برای آوردن سگار برای برادران به منزل آدمم و تقریبا یک ربع بعد برکنتم که معلوم شد که سومین حمله ارتجاع با سنگ و غیره صورت گرفته که با حمله وسیع جبهه خستی شد آنها را مجبور به فرار کرد. و نهمین بود که فرمان تخلیه صادر شد و کم کم همگی مان شروع به بیرون آمدن کردیم. من سخت‌افسوس این محل را می‌خوردم و با وجودی که جبهه با این مقاومت خود حماسه آفریدند اما این محل حقیقتا بود، گمانگشاهان از دست رفت. در داخل انجمن همانطور که قبلا ذکر شد یک کمیته مخصوص مبارزه با گرافرونی درست شده بود البته نه مانند دیگران که فقط حرف می‌زدند بلکه واضح بر بگویم یک مغازه که در آن اجناس را که در بازار به قیمت گران پیدا می‌شد یا اقلام پیدا شد این جبهه برای محل توزیع می‌کردند که عبارت بود از تخم مرغ، روغن، گوشت، تاید، برش‌غیره... اما، آماد بزرگی که برای افراد عمومی مجانی تمام می‌شد و کارهای تبلیغاتی و سازمانی و غیره... که موقع خروج من از آن هم وسایلی که در داخل انجمن مانده بود هم افسوس می‌خوردم. و اما از عده‌ای هم شنیدم که در تمام آنها صورت مجلس برداشته شده بود و کلا به امانت نماندگان مربوطه برای دریافت نقد آن در بعد رسیدیم. این روز هم با تمام سختی‌هایش گذشت. امروز سینه‌بند تسبیح جازیه برادر شهید ناصر محمدی از بزرگی قانونی تا میدان اعدام و از آنجا تا به بهشت زهرا انجام شد که در گیری‌های چند، در دروازه مسئله پیش آمد.

پاکسازی را از کجا باید آغاز کرد؟

پاکسازی را از کجا باید آغاز کرد؟ این واقعات را خیلی خوب می‌دانید و ما باید به عرضان برسانیم که این حمله‌ها و هجوم‌هایی جزئی‌ها به دانشگاه دانشجو و خوابگاهی که برای آن دیده شده است و هر روز در گوشه و کجای ملک از جانب شما و دست‌نشان در مصاحبه‌ها می‌شنویم و یا در نمازهای وحدت اظهار می‌شود، بی‌شک خالق و خلق تقدیم شده است، زنده می‌کند، همان محیطی که پناهگاه و امید تمامی مردم ما در طول انقلاب بوده تا آنجا که بلندترین فرماندهان و بهترین تصمیم‌گیران و بهترین خلاقان علمیه رژیم گذشته همواره آن را می‌خواست. باید به تعبیر سببناست که از فراز همان تریبون، این چنین دانشگاهی مورد تمهت و خشم و غضب قرار گرفته، از آن به عنوان مرکز فساد، لانه جاسوسی، عامل جنگ‌افروزی و... نام برده می‌شود و فضای کنزردانی آن صادر می‌شود.

پاکسازی از ایشان و دیگر هم - فکرانشان سؤال کنیم که آیا براسی

بقیه از صفحه اول

دانشگاهها نیز مانند کنزردانی هستند؟ همان دانشگاههایی که در دوره‌های آن فریادهای اعتراضی و طنین راهشان هست، حمله نموده، و عملا در جهت نفی وحدت و ایجاد تفرقه جدایی‌گام برپا دارند. در حالی که هنوز فریادهای وحدت‌طلبانه و شورانگیز پدراطالانی در خطبه‌های و روح‌افزای نماز جمعات در گوش تمامی مردم طنین - اندازاست، و نیز تجلیل‌های همسگی او را از مقام و نقش دانشگاه همگان به یاد دارند و به خاطر دارند که بدر طالقای آن دانشگاه به عنوان "سنگ آزادی" نام می‌برد، جای تأسف و تعجب سببناست که از فراز همان تریبون، این چنین دانشگاهی مورد تمهت و خشم و غضب قرار گرفته، از آن به عنوان مرکز فساد، لانه جاسوسی، عامل جنگ‌افروزی و... نام برده می‌شود و فضای کنزردانی آن صادر می‌شود.

پاکسازی از ایشان و دیگر هم - فکرانشان سؤال کنیم که آیا براسی

بقیه از صفحه اول

پاکسازی را از کجا باید آغاز کرد؟ این واقعات را خیلی خوب می‌دانید و ما باید به عرضان برسانیم که این حمله‌ها و هجوم‌هایی جزئی‌ها به دانشگاه دانشجو و خوابگاهی که برای آن دیده شده است و هر روز در گوشه و کجای ملک از جانب شما و دست‌نشان در مصاحبه‌ها می‌شنویم و یا در نمازهای وحدت اظهار می‌شود، بی‌شک خالق و خلق تقدیم شده است، زنده می‌کند، همان محیطی که پناهگاه و امید تمامی مردم ما در طول انقلاب بوده تا آنجا که بلندترین فرماندهان و بهترین تصمیم‌گیران و بهترین خلاقان علمیه رژیم گذشته همواره آن را می‌خواست. باید به تعبیر سببناست که از فراز همان تریبون، این چنین دانشگاهی مورد تمهت و خشم و غضب قرار گرفته، از آن به عنوان مرکز فساد، لانه جاسوسی، عامل جنگ‌افروزی و... نام برده می‌شود و فضای کنزردانی آن صادر می‌شود.

پاکسازی از ایشان و دیگر هم - فکرانشان سؤال کنیم که آیا براسی

بقیه از صفحه اول

پاکسازی را از کجا باید آغاز کرد؟ این واقعات را خیلی خوب می‌دانید و ما باید به عرضان برسانیم که این حمله‌ها و هجوم‌هایی جزئی‌ها به دانشگاه دانشجو و خوابگاهی که برای آن دیده شده است و هر روز در گوشه و کجای ملک از جانب شما و دست‌نشان در مصاحبه‌ها می‌شنویم و یا در نمازهای وحدت اظهار می‌شود، بی‌شک خالق و خلق تقدیم شده است، زنده می‌کند، همان محیطی که پناهگاه و امید تمامی مردم ما در طول انقلاب بوده تا آنجا که بلندترین فرماندهان و بهترین تصمیم‌گیران و بهترین خلاقان علمیه رژیم گذشته همواره آن را می‌خواست. باید به تعبیر سببناست که از فراز همان تریبون، این چنین دانشگاهی مورد تمهت و خشم و غضب قرار گرفته، از آن به عنوان مرکز فساد، لانه جاسوسی، عامل جنگ‌افروزی و... نام برده می‌شود و فضای کنزردانی آن صادر می‌شود.

پاکسازی از ایشان و دیگر هم - فکرانشان سؤال کنیم که آیا براسی

اطلاعیه کانون اندیشه‌های شریعتی ...

مراسمی که از طرف وزارت کشوراجاره قانونی دارد چیست؟ آیا این اعمال وقیحانه و حملات علی‌الادبانه‌ای در دستنه‌ها موافق قانون اساسی و انقلاب می‌باشد؟ چگونه می‌شود که امروز کوچکترین حرکتی داخلی گروه‌های "مخالف" از نگاه مسئولین دور نمی‌ماند؟! ولی استکبرگشایی‌های مسلحانه و منظم و سازمان یافته ناپدید گشته می‌شود؟! اینبار دیگر نقاط کور رادارهای مسئولین از چه روست، که هرگز گشایی چنین بی‌پرسش را نمی‌بینند؟ و بالاخره می‌تسیم ما چگونه خواهیم توانست مراسم سالگرد مظلّم انقلاب شهید شریعتی را برگزار نمائیم درحالی که جان صدها هزار انسان، درخطر ضربات چاقو و لگد و گلوله قرار خواهد گرفت؟ و آیا در این شرایط

ان لم یکن لکم دین لاتخونن المعاد تکلونوا حرارا فی دیناکم کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی ۵۹/۲/۲۴

بقیه از صفحه ۲

وقتی که قافیه بر مرتجعین ...

بگفتند! چون هنوز ۲۴ ساعت گذشته مجبور می‌شود که از این گوسه هوسرانی‌ها یا آبروریزی تمام استغفار و توبه نماید. البته اگر آقایان فی‌الواقع از مردم و از حقیقت و از اسلام و روحانیت واقعی علوی ترسی و وحشت ندارند، می‌توانند برای تفاوت آنها درخواست چند ساعت برنامگی تلویزیونی برای مجاهدین بفرمایند، تا مجاهدین با صد و مدرک سرشماری اصلی چاقدار و کشتارها را که اسامی خود آقایان هستند، بر ملا جلب کنند. در خانه نظر آقایان را به این نکته جلب می‌کنیم که ولو (چنان که بارها تلاش کرده و باز هم خواهید کرد)، تمام مجاهدین را نکشد و سرکوب نکند، باز هم در این میهن بی‌پناه برخاسته است که اگر "خویش را در دست راست و ماه را هم در دست چپ آن قرار دهد، از اسلام و معنویت و روحانیت متعالی شیع سرخ انقلابی دست نخواهد کشید.

